قصه‌ی یک لالایی «روایت ممسنی»

ابوالقاسم فقیری

در زمان‌های پیش از این پیرمردی بود که دختری داشت. مادر دختر عمرش داده بود به شما. پیرمرد برای اینکه زندگی‌اش بگذرد زن دیگری گرفت. زن بابا چشـــم دیدار دختر را نداشت، دختر را اذیت و آزار می‌کرد. هر روز بهانه‌ای از او می‌گرفت برای اینکه دختر خانه را ترک کند. شبی مشک آبی را به دختر داد که برود از سر چشمه آب بیاورد. چشمه از آبادی خیلی دور بود.

همه جا تاریک بود. دختر ترســـان و لرزان خودش را به چشمه رساند. مشک را از آب پر کرد. در حالی که یک ریز گریه می‌کرد سر چشمه خوابش برد.

دســـت از دختر بردارید، برویم به سراغ شاهزاده ترکستان، که همراه با قافله به سر چشمه رسید.

نشستند از آب چشـــمه خوردند. چهارپایان را آب دادند که شاهزاده چشمش به دختر افتاد. دختر را ســـوار بر شـــتر کردند و راه افتادند. قصدشان رسیدن به هندوستان بود.

منزل به منزل آمدند تا به هندوســـتان رسیدند. شـــاهزاده دختر را مثل بچه خودش بزرگ کرد. حالا دختر بزرگ شده بود.

وقت آن رســـیده بود که دختر را شـــوهر بدهند. دختر از زیبایی چیزی کم و کسر نداشت. بشنوید بچه برادر شـــاهزاده عاشق دختر شده بود به خواستگاری آمد. شـــاهزاده پذیرفت. دستور داد هفت روز و هفت شب جشن گرفتند و دختر به خونه شوهرش رفت.

هنوز چندی نگذشـــته بود که دختر حامله شد و بعد از نه ماه و نه روز خداوند به او پسری داد که اسمش را گذاشتند: «ابراهیم سلطان»

هنوز مدتی نگذشته بود که باز دختر آبستن شد و خداوند باز به او پسری داد که اسمش را گذاشتند: «محمد جون»

حالا بشـــنوید از دختر، گرچه او از هر لحاظ زندگی‌اش شـــیرین و خوش بود ولـــی هر زمان به فکر باباش می‌افتاد دلش به درد می‌آمد و شـــروع می‌کرد به گریه کردن. آدم دلش براش می‌سوخت. دختر سرگذشت خودش را وقتی لالایی می‌گفت از اول تا آخر همراه با گریه بیان می‌کرد.

حالا دختر را هم به حال خودش بِگذارید برویم به سراغ پیرمرد.

او از فکـــر تنها دخترش بیرون نمی‌رفـــت. وقت و بی‌وقت می‌زد زیر گریه و دل همه را می‌سوزاند. سرانجام از آبادی بیرون زد و به دنبال دخترش آواره این شهر و آن شهر شد.

گدایـــی می‌کرد و زندگی‌اش می‌گذشـــت. ولی باز تا فرصتـــی پیدا می‌کرد شـــروع می‌کرد به گریه کردن و آنقدر گریه کرد که کور شـــد. پیرمرد گذارش به هندوستان افتاد.

تا اینکه یک روز پســـین دختر با شـــوهرش نشسته بودند که پیرمرد به خانه آنها رســـید شروع کرد به التماس کردن که امشب به من جایی بدهید صبح زود هم زحمت را کم می‌کنم.

دختر باباش را شناخت، اما جلو شوهرش حرفی نزد.

جایی به پیرمرد دادند. پیرمرد همچنان می‌گریســـت و آه و ناله می‌کرد. دختر برایش شام برد، یکی دو لقمه خورد و پس کشید.

هنگام خواب که شد شاهزاده چون صبح زود می‌خواست به شکار برود رفت و در اتاق مخصوصش خوابید.

دختر هم جایی برای پیرمرد آماده کرد او را خوابانید و دختر با دلی پرغم برای اینکه خودش را به پیرمرد بشناساند شروع کرد به لالایی گفتن و گریان خواند:

لالا لالا ننه بَسی
دولم دادی در پَسی
دولم دادی به اُو رفتم
سرچشمه و خو رفتم
دو تا ترکی ز ترکسون
منِ بردن ز هندسون
بزرگم کرد به یک نازی
جهازم داد به اندازی
بزرگم کرد پدر واری
جهازم داد و سرباری
دو تا بچه خدا وم داد
یکیش نومش محمد جون، یکی نومش ابراهیم جون
محمد جون و خِو رفته
ابراهیم جون کتو رفته
بیار دایه، بیار دایه لالایی
بشورم روی مهپاره لالایی
که مهپاره خدا داده۱

پیرمرد که تمام لالایی را شنیده بود و دختر را شناخته بود بیش از این طاقت نیاورد. دختر عزیزش را صدا کرد و همدیگر را در آغوش گرفتند و شروع کردند از خوشحالی گریه کردند.

انشـــاءاله همانطور که به مراد دلشون رســـیدند، شما هم اگر مرادی دارید به مراد دلتون برسید، انشاءاله.

۱ – دول= در اینجا همان مشک است، اُو= آب، خُو= خواب، وَم داد= به من داد، کُتو= مکتب خانه

***

این قصه را شـــصت سال پیش در روســـتای مصیری خاک رستم، دریافت کردم. تمام قصه به گویش لری اســـت که من آن را به فارســـی امروز نوشته‌ام. نام راوی قصه را نمی‌دانم. ضمناً بد نیست بدانید که روستای مصیری اکنون به نام شهر رستم تغییر نام داده است. همچنین در ممسنی به قصه می‌گویند: متیل

شما هم اگر از اهالی ممسنی هستید متیل‌های آن ناحیه را یادداشت کرده و برای ما بفرستید تا با نام خودتان در این صفحه چاپ کنیم.

نی‌ریز گهرریز در شعر شهاب

محمدعلی پیش آهنگ

سـید محمدحسـن معروف به سـید اشـرف شیخ‌الاسلام نی‌ریز متخلص به «شهاب» (۱۲۳۲-۱۳۰۲ خورشـیدی)- (۱۲۷۳-۱۳۴۳ مهشـیدی) و (۱۸۵۳-۱۹۲۳ میـلادی) در نی‌ریـز دیده به گیتی گشـود. وی عالمی متبحر و فاضلی نحریر (زیرک) و شاعری توانا و خوشنویسی ماهر بود. پدرش سید نعیم شیخ‌الاسـلام نی‌ریز متخلص به «سـحاب» فرزند سـید عفیفا شیخ‌الاسـلام نی‌ریز فرزند سید نعیما شیخ‌الاسـلام نی‌ریز ملقب به ذوالریاسـتین که قضاوت در شـهر نی‌ریز و داراب را عهده‌دار بود، فرزند میرمحمد دارابی و ...

شهاب تحصیلات خود را از فارسی و عربی، فقه و اصول و غیره در نی‌ریز و شـیراز به پایان رسانید. بعد از پدر بر مسـند شیخ‌الاسلامی تکیه زد و مرجع امور شـرعی گردید. مردی متمکن و خطیبی بلیغ بود و استعداد و ذوقی شگرف داشت و مورد توجه و احتـرام حکومت‌های وقت قرار گرفت، بدین طریق جنبه اشرافیت را بر مقام روحانیت بیافزود. در رتق و فتق امور شرعی و عرفی مرجعیتی به کمال یافت.

خلیل سـازگار در تذکره سـازگار می‌نویسـد: «سلسـله انساب سحاب «پدر شـهاب» به مرحوم سـید اسـماعیل طغرائی اصفهانی منتهی می‌شود و حکیـم طغرائی در حدود هفتصد سـال پیش در اصفهـان مرجع تقلید و صاحب فتوی و دارای علوم شرعیه و الهیه بوده است.

شهاب صاحب دیوان شعر است که تاکنون دو بار به چاپ رسیده است:

۱ – به کوشش شادروان محمدباقر اشرف‌زاده- دکتر حمیدرضا اشرف‌زاده

۲ – به کوشش دکتر مختار کمیلی

***

شهاب در دیوان شـعرش حدود ۱۹ بار از نی‌ریز نام برده است. به چند نمونه از اشعار او توجه فرمایید:

او را خطه «نی‌ریز» شد از ظلم خواب
گو به سلطان که تو را پایه نظم است بلند
امتحان سخن از شخص سخندان تا چند
گفتمت کاین غزل ار هدیه فرستم گفتند
بردن زیره شهابا سوی کرمان تا چند

در دولت مشروطه خاقان جوانبخت
احمد شه جم رتبه شهنشاه معظم
جز خطه «نی‌ریز» که ویران شده از ظلم
از عدل تو آباد بود مملکت جم

***

ای میر فلک سریر عادل
کز عدل تو ملک جم گلستان
جز خاطر ساکنان «نی‌ریز»
جز باطن مفلسان بی‌جان

***

کاز آتش فتنه بداندیش
دارند دلی کباب و بریان

***

خیز و زین زن به توسن رهوار
پی عزم سفر ز بیت حزن
نیست «نی‌ریز» جنت فردوس
نیست «نی‌ریز» ساحت گلشن
هر دو چشم جهان ز دلتنگی
تنگ‌تر شد ز چشمه سوزن

***

غمگین ز شهر «یزد» به «نی‌ریز» می‌روم
افسرده دل به خاک غم‌انگیز می‌روم
برگشته بخت سعی کند در هلاک خویش
سرگشته رو به تارک خون‌ریز می‌روم

***

نواهای مخالف آنچنان شد راست از هر سو
که چون عاشق می‌بینم به سر شور صفاهان را
مرا شد ساحت «نی‌ریز» چون زندان و می‌ترسم
ز دلتنگی دهم جان، آخر این تاریک زندان را
ز پس چون غنچه گشتم، تنگد ل ز اندوه بی‌پایان
روا باشد که چون گل چاک بنمایم گریبان را

***

حضرت حافظ در غزلی می‌گوید:
اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را
شهاب نی‌ریزی در پاسخ می‌گوید:
اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
به خال هندویش بخشم سر و جان و تن و پا را
اگر من چیزی می‌بخشم ز ملک خویش می‌بخشم
نه چون حافظ که می‌بخشد سمرقند و بخارا را

ثبتی و دادگستری

آگهی حصر وراثت

منصور رحیمی دارای شناسـنامه شـماره ۳۸۹۴۹۴۷۵ متولد ۷۵/۱/۱ به شرح دادخواست از این شورا درخواسـت گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شـادروان بابوجان رحیمی به شـماره شناسنامه ۱۴۱۱۳۴۳۰۰۳۵۵ در اقامتـگاه دائمـی خود بدرود زندگـی گفته و وراث حین‌الفوت آن مرحومه عبارتند از:

۱- متقاضی با مشخصات فوق‌الذکر فرزند متوفیه

۲- حسنی امانی به شماره شناسنامه ۳۹۴۳۹۵۱۸ صادره از حوزه افغانستان همسر متوفیه

۳- مسـعود رحیمی به شـماره شناسـنامه ۴۱۷۳۱۳۸۱ صادره از حوزه افغانستان فرزند متوفیه

۴- سـیما رحیمی به شـماره شناسـنامه ۴۲۸۸۴۸۷۴ صادره از حوزه افغانستان فرزند متوفیه

اینک با انجام تشـریفات مقدماتی درخواسـت مزبور را برای یک نوبت آگهی می‌نماید تا چنانچه شخص یا اشخاصی اعتراضی دارند و یا وصیتنامه از متوفیه نزد آنها اسـت ظرف یک ماه از تاریخ انتشـار آگهی به شورا تقدیم نمایند بدیهی اسـت پس از انقضاء مهلت وفـق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد.

۳۳۵۱/ م الف

شعبه ۱۵ مجتمع شوراهای حل اختلاف شماره یک شیراز

آگهی ابلاغ دادنامه

کلاسه پرونده: ۹۵۰۲۸۸
شماره دادنامه: ۳۲۵
تاریخ دادنامه: ۹۵/۶/۱۵
صادرکننده رأی: قاضی شعبه ۲۱ شورای حل اختلاف شیراز
خواهان: بانک ملت به آدرس شیراز بلوار چمران ابیوردی
خواندگان: آذر ایمن ده شـیبی و حمید رضا مبصری و علی‌اکبر قره‌غانی مجهول‌المکان
خواسته: مطالبه
به تاریخ ۹۵/۷/۱۳ در وقت فوق‌العاده جلسه شعبه ۲۱ شورای حل اختلاف شیراز حوزه قضایی مجتمع شماره یک با حضور امضاکنندگان زیر تشکیل است. پرونده کلاسـه ۹۵۰۲۸۸ از دفتر شـورا واصل و تحت نظر قرار گرفت با بررسی محتویات پرونده و نظریه مشورتی مورخ ۹۵/۷/۱۳ ختم رسیدگی اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می‌گردد.

رأی قاضی شورا

در خصوص دادخواسـت بانک ملت با وکالت شـیوا زاهدی به طرفیت خواندگان آذر ایمن ده شـیبی و حمید رضا مبصری و علی‌اکبر قره‌غانی به خواسـته مطالبه وجه بابـت قرار بانکی به مبلـغ ۸۴۷۶۹۵۱۸ ریال و خسـارت تأخیر تأدیه طبق قرارداد بانکی و خسارات دادرسی با عنایت به دادخواست تقدیمی خواهان و مدارک پیوست نظر به اینکه خواندگان دعوی علی‌رغم ابلاغ وقت رسـیدگی در شـورا حضور نیافته و دفاع و ایرادی در قبال دعوی خواهان بـه عمل نیاورده و دلیل و مدرکی دال بر پرداخت بدهی خود به بانک ارایه ننموده‌اند و حسب استعلام انجام شده از بانـک خواهان میزان بدهی خواندگان مبلـغ ۶۱۲۵۰۳۸۶ ریال تا تاریخ ۹۵/۶/۲۱ می‌باشد و اعضا شورا هم نظر به محکومیت خواندگان داده‌اند لذا شـورا دعوی خواهان را وارد و ثابت تشخیص و با استناد به مواد ۱۹۸ و ۵۱۵ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسـی مدنی و ماده ۴۰۳ قانون تجارت حکم بر محکومیت تضامنی خواندگان به پرداخت مبلغ ۶۱۲۵۰۳۸۶ ریال بابت اصل خواسـته و مبلغ ۱۰۳۵۶۳۰ ریال بابت هزینه دادرسـی و حق‌الوکاله وکیل طبق تعرفه و خسارت تأخیر تأدیه براساس قرارداد بانکی از تاریخ ۹۵/۶/۲۱ لغایت زمان پرداخت وجه بـه میزان ۲۱ درصد در حق خواهان صادر و اعلام می‌دارد خواسته خواهان نسبت به مازاد به مبلغ محکوم به به لحاظ فقدان دلیل حکم بـه رد آن صادر و اعلام می‌گردد رأی صادره غیابی و ظرف مدت بیسـت روز قابل واخواهی در این شورا پس ظرف همین مدت قابل تجدیدنظر در محاکم عمومی حقوقی شیراز می‌باشد.

۳۳۵۰/ م الف

قاضی شعبه ۲۱ شورای حل اختلاف مجتمع شماره یک شیراز
عباس حبیب‌پور

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شـماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۱۰۳۵۰۰۸۱۱۹ مورخ ۹۷/۱۲/۲۷ هیأت اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و سـاختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه سه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی زهرا توانا کودیانی فرزند اسـفندیار به شماره شناسنامه ۵۶۳ کد ملی ۲۵۴۹۶۴۷۳۵۱ صادره از شـیراز نسـبت به ششدانگ یکباب سـاختمان به مسـاحت ۲۲۱/۴۱ مترمربع به پلاک ۸/۳۹۵۱۲ مفروز و مجزی شـده از پلاک ۸/۱۲۳۰ باقیمانده واقع در شیراز گویم زمین‌های شورا خیابان معصومی کوچه اول سمت راست کدپستی ۷۱۹۸۴۷۳۸۶۰ خریداری از مالک رسمی سـید فتحعلی جعفری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شـود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سـند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشـار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۸/۳/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۸/۴/۶

۳۳۴۷/م الف

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه شیراز
شاپور زارع شیبانی

آگهی حصر وراثت

سید علی حسینی به شماره شناسنامه ۲۴۸۰۰۶۲۴۵۷ متولد ۶۸/۱۰/۹ به شرح دادخواسـت به کلاسه ۱۲۰/۹۸ از این شـورا درخواست صدور گواهی حصر وراثت نموده و اعلام داشته که شـادروان سید رحمت‌اله حسینی به شماره شناسـنامه ۶۷۲ در تاریخ ۸۱/۳/۲۲ در شهرستان داراب بدرود حیات گفته و وراث حین‌الفوت آن مرحوم عبارتند از:

۱- متقاضی با مشخصات فوق‌الذکر به شماره شناسنامه ۲۴۸۰۰۶۲۴۵۷ صادره از داراب فرزند متوفی

۲- سید جعفر حسینی به شماره شناسنامه ۵۵۸ صادره از داراب فرزند متوفی

۳- سید عزیز حسینی به شماره شناسنامه ۵۵۹ صادره از داراب فرزند متوفی

۴- سیده خدیجه حسینی به شـماره شناسنامه ۵۵۷ صادره از داراب فرزند متوفی

۵- سـیده توران حسینی به شماره شناسـنامه ۵۶۰ صادره از داراب فرزند متوفی

۶- سـیده ترلان حسینی به شماره شناسـنامه ۹۳۲ صادره از داراب فرزند متوفی

۷- سـیده فاطمه حسینی به شماره شناسـنامه ۴۷ صادره از داراب فرزند متوفی

۸- سیده لیلا حسینی به شماره شناسنامه ۱۴ صادره از داراب فرزند متوفی

۹- سـیده زهره حسینی به شماره شناسـنامه ۱۹۷ صادره از داراب فرزند متوفی

۱۰- سیده فایزه حسـینی به شماره شناسنامه ۲۴۸۰۲۸۷۴۹۱ صادره از داراب فرزند متوفی

۱۱- سیده حوا حسینیان به شماره شناسنامه ۶۵۱ صادره از فسا همسر متوفی

اینک با انجام تشـریفات مقدماتی درخواسـت مزبـور را در روزنامه عصر مردم یک مرتبه آگهی می‌نماید تا هر شـخص یا اشـخاصی اعتراضی دارند و یا وصیتنامه از متوفی نزد او می‌باشـد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یک ماه به شـعبه جنت شهر شورای حل اختلاف تقدیم در غیر این صورت گواهی صادر خواهد شد.

۹۶/ م الف

رئیس شعبه ۰۶ شورای حل اختلاف جنت شهر
غلامعباس نجفی

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شـماره ۱۳۹۸۶۰۳۱۱۰۳۵۰۰۵۴۲ مورخ ۹۸/۲/۲۲ هیأت اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سـند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه سـه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی عباس حاجی پور فرزند بابا به شناسنامه شـماره ۴۴۹ کدملی ۲۳۷۱۸۸۲۷۴۷ صادره از کازرون نسبت به ششدانگ یکباب سـاختمان به مساحت ۲۰۰/۰۱ مترمربع به پلاک ۱۰/۵۲۲۴ مفروز و مجزی شـده از پلاک ۱۰/۱۲۱۶ باقیمانده واقع در شیراز گلستان شـمالی بلوار پیام نور ارتش کوچه ۵ خریداری از مالک رسمی نادر محمودی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسـبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسـلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسـلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی اسـت در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۸/۳/۷
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۸/۳/۲۲

۲۱۳۴/م الف

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه شیراز
شاپور زارع شیبانی

آگهی حصر وراثت

رحیم بستانی به شماره شناسـنامه ۲۴۸۰۴۰۹۴۸۱ متولد ۷۵/۶/۱ به شرح دادخواست به کلاسـه ۱۰۵/۹۸ از این شورا درخواست صدور گواهی حصر وراثت نموده و اعلام داشـته که شادروان محمدجواد بستانی به شـماره شناسـنامه ۱۱ در تاریخ ۸۴/۵/۳۱ در شهرستان داراب بدرود حیات گفته و وراث حین‌الفوت آن مرحوم عبارتند از:

۱- متقاضی با مشخصات فوق‌الذکر رحیم بستانی به شماره شناسنامه ۲۴۸۰۴۰۹۴۸۱ صادره از داراب فرزند متوفی

۲- رحمان بسـتانی به شماره شناسـنامه ۲۴۸۰۲۷۶۸۲۱ صادره از داراب فرزند متوفی

۳- کریم بستانی به شماره شناسنامه ۲۴۸۰۴۷۹۲۲۶ صادره از داراب فرزند متوفی

۴- مجید بستانی به شماره شناسنامه ۲۴۸۰۶۰۹۸۴۷ صادره از داراب فرزند متوفی

۵- عذرا بستانی به شـماره شناسنامه ۲۹۷ صادره از داراب فرزند متوفی

۶- محبوبه بسـتانی به شماره شناسنامه ۹۹ صادره از داراب فرزند متوفی

۷- سهیلا بستانی به شماره شناسنامه ۲۴۸۰۰۳۸۵۸۰ صادره از داراب فرزند متوفی

۸- محمدحسین بسـتانی به شماره شناسنامه ۲۱۸ صادره از داراب پدر متوفی

۹- صغری بستانی به شـماره شناسنامه ۶۷ صادره از داراب همسر متوفی

اینک با انجام تشـریفات مقدماتی درخواست مزبور را در روزنامه عصر مردم یک مرتبه آگهی می‌نماید تا هر شـخص یا اشـخاصی اعتراضی دارند و یا وصیتنامه از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یک ماه به شعبه شورای حل اختلاف تقدیم در غیر این صورت گواهی صادر خواهد شد.

۹۵/ م الف

رئیس شعبه ۰۶ شورای حل اختلاف جنت شهر
غلامعباس نجفی

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شـماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۱۰۳۵۰۰۸۰۵۲ مورخ ۹۷/۱۲/۲۶ هیـأت اول/ دوم موضوع قانون تعییـن تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و سـاختمان‌های فاقد سند رسـمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شـیراز ناحیه سـه تصرفـات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زمان چراغی به شناسـنامه شماره ۱۳۹۴ کدملی ۵۴۸۹۴۵۰۵۹۲ صادره از شـیراز فرزند اقا رضا نسبت به ششـدانگ یکباب سـاختمان به مساحت ۲۰۰/۲۲ مترمربـع به پلاک ۱۶/۱۷۲۹ مفروز و مجزی شـده از پلاک ۱۶/۷۵۵ باقیمانده واقع در شـهرک لاله خیابان بهاران کوچه ۱ سمت راست کدپسـتی ۷۱۹۷۷۶۹۶۸۸ خریداری از مالک رسمی محمدرحیم شوشـتریان محرز گردیده است. لذا به منظور اطـلاع عموم مراتب در دو نوبت بـه فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشـند می‌توانند از تاریخ انتشـار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتـراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواسـت خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۸/۳/۷
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۸/۳/۲۲

۲۱۲۵/م الف

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه شیراز
شاپور زارع شیبانی

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شـماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۱۰۳۵۰۰۸۰۸۳ مورخ ۹۷/۱۲/۲۷ هیـأت اول/ دوم موضوع قانون تعییـن تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه سه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی فرشته دهقانی فرزند سرفراز به شماره شناسنامه ۱۵۹۹ کد ملی ۲۲۹۵۵۷۱۶۱۸ صادره از شـیراز نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۰۴/۰۲ مترمربع به پلاک ۸/۳۹۵۱۳ مفروز و مجزی شده از پلاک ۸ باقیمانده به آدرس گویم خیابان آبشـار کوچه ۱۳ کدپستی ۷۱۹۷۱۳۳۵۵۲ خریداری از مالک رسمی نصیر قادری احد از ورثه‌ی عباس قادری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسـبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشـند می‌توانند از تاریخ انتشـار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسـلیم و پس از اخذ رسـید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواسـت خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۸/۳/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۸/۴/۶

۳۳۵۳/م الف

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه شیراز
شاپور زارع شیبانی